

The Spritual Place of Imam Ali (AS) in Alevi-Bektashi Order: Beliefs and Customs

Fahimeh Mokhbar Dezfuli

Associate Professor, Department of History and Archaeology, Faculty of Literature,
Humanities and Social Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Branch,
Tehran, Iran. (Corresponding author), fmokhber_d@yahoo.com

۱۰۳

پژوهشنامه ادیان

Abstract:

The personality and spiritual situation of Imam Ali (AS) have always been the focus of attention and praise from Muslims of all religious orientations; but from the perspective of Sufism, he has been especially honored and revered. The abundance of historical narrations in praise of his special personality, which has always been a manifestation of piety and adherence to moral virtues, has led to the formation of extravagant beliefs that are especially evident in some Sufi orders. The Alevi Bektashis, like other Sufi orders, pay special respect to Imam Ali (AS), but his spiritual position among them is somewhat different from that of other Sufi orders. The purpose of this research is to analyze the situation of Imam Ali (AS) from the perspective of the Alevi Bektashi. What do the Alevi Bektashis believe about Imam Ali (AS)? What is the place of him in their beliefs, rituals and ceremonies? It seems that for a group of the Alevi Bektashis, the spiritual status of the Prophet Muhammad (PBUH) and Imam Ali is the same, and sometimes they go further and give him a higher status than the Prophet Muhammad. However in most of their beliefs, they are similar to other sufis.

Keywords: Alevi-Bektashi, Imam Ali, Sufism, Anatolia, Turkey Alevism.

جایگاه معنوی امام علی (ع) در طریقت علوی بکتاشی؛ باورها و رسوم^۱

فهیمة مخبر دزفولی^۲

۱۰۴

پژوهشنامه ادیان

چکیده

شخصیت و جایگاه معنوی امام علی (ع) همواره مورد توجه و ستایش مسلمانان با هر گرایش مذهبی بوده، اما از نظرگاه صوفیه به گونه‌ای ویژه مورد تکریم و تعظیم واقع شده است. پیروان طریقت علوی بکتاشی همچون سایر طریقت‌های صوفیانه، به حضرت علی (ع) احترامی ویژه می‌گذارند، اما مقام معنوی آن حضرت در میان پیروان و در متون علوی بکتاشی با دیگر طریقت‌های صوفیانه قدری متفاوت است. مسئله این پژوهش واکاوی جایگاه امام علی (ع) و باورهای مربوط به او از نظرگاه پیروان طریقت علوی بکتاشی است. به نظر می‌رسد که گروهی از پیروان طریقت علوی بکتاشی مقام معنوی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) را یکی می‌دانند و گاه از این نیز فراتر رفته، جایگاه او را بر پیامبر اکرم (ص) برتری می‌دهند. همچنین در مورد بیشتر قدیسانی که در تاریخ علوی بکتاشی به آنها اشاره شده است، داستان‌هایی اغلب باورنکردنی درباره ارتباط آنان با امام علی (ع) و فرزندان او وجود دارد. مراسم مختلفی که علوی بکتاشی‌ها در مناسبت‌های مذهبی و غیرمذهبی برگزار می‌کنند، نیز نشان از مرتبه ویژه امام علی (ع) نزد آنان دارد. در این مقاله جایگاه امام علی (ع) در اعتقادات و مناسک علوی بکتاشی بررسی می‌شود.

کلید واژه: علوی بکتاشی، امام علی (ع)، آئاتولی، تصوف، علویان ترکیه

سال ۱۹، شماره ۳۵، بهار و تابستان ۱۴۰۳

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶

۲. دانشیار گروه تاریخ و باستانشناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران. (نویسنده مسئول):
fmokhber_d@yahoo.com

مقدمه

قیام بابائیان در اوایل قرن هفتم هجری آغاز ظهور علویان در آناتولی بود. رهبران این قیام بابا الیاس و بابا اسحاق دو شیخ صوفی بودند که علیه حکومت سلجوقیان روم به پا خاستند. اما به رغم و با اقبال عمومی به قیام ایشان، پادشاه سلجوقی از لشکر فرنگان کمک گرفت و آنها را سرکوب کرد. حاج بکتاش ولی که از پیروان طریقت یسویه و احتمالاً خلیفه بابا الیاس بود، خود را از این قیام به دور نگهداشت و در روستای صولوجه قراهوویق (حاج بکتاش کنونی) به ظاهر گوشه عزت گرفت، اما در عمل به تبلیغ افکار و آراء صوفیانه خود در میان ترکمنان پرداخت. پس از مرگ حاج بکتاش ولی، این حرکت توسط جانشینان و مریدان وی ادامه یافت. ابدالان روم که با غازیان در مرزها همراه شده بودند، اولین امرای عثمانی را در توسعه قلمروشان یاری کردند و این حرکت را تا تاسیس دولت قدرتمند عثمانی استمرار بخشیدند. در این دوره که روزگار اقتدار عثمانیان بود، سپاه ینی چری تشکیل شد و از نظر معنوی به بکتاشیه وابستگی پیدا کرد. حمایت سلاطین عثمانی از طریقت علوی بکتاشی در دوره سلطان مراد دوم (۱۴۲۱-۱۴۵۱م) به اوج خود رسید. بیشتر آثار مکتوب در تاریخ علوی بکتاشی متعلق به این دوره است.

اما اضمحلال تشکیلات ینی چری، و قلع و قمع بکتاشیان در سال ۱۸۲۶م بار دیگر آنها را به حاشیه راند، چنانکه تا پایان حکومت عثمانی ها کم و بیش زیر فشار بودند و به سبب همین فشارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در دوره عثمانی، علوی بکتاشی ها در دوره جدید به آتاتورک پیوستند و در سکولاریزه کردن ترکیه او را یاری دادند. در سال ۱۹۲۵م فعالیت همه طریقت های صوفیانه ممنوع، و خانقاه ها و تکیه ها تعطیل شدند.

کتاب پیدایش طریقت علوی- بکتاشی در آناتولی از فهیمه مخبر دزفولی و کتاب ترکان، اسلام و علویگری بکتاشیگری در آناتولی از محمد تقی امامی خویی از جمله تحقیقات انجام شده درباره طریقت علوی- بکتاشی به زبان فارسی اند. اما نویسندگان ترک چون احمد یاشار اجاق، فواد کوپرولو، علی یامان و فغلالی نیز آثار متعددی درباره بکتاشیه نوشته اند که در این مقاله از آنها بهره گرفته شده است. همچنین کتاب طریقت دراویش بکتاشی، اثر ارزشمند مستشرق بریتانیایی کینگزلی بیرگ، با اینکه دهها سال قبل نوشته شده است، همچنان یکی از جامع ترین آثار درباره طریقت علوی- بکتاشی به شمار می رود. مقاله «تشیع امامی و پیدایش طریقت علوی بکتاشی» و

مقاله «جستاری در همبستگی آیین فنوت و طریقت علوی بکتاشی در آناتولی» از فهیمه مخبر دزفولی و چند مقاله دیگر هم به پژوهش درباره طریقت علوی بکتاشی اختصاص دارند.

جایگاه معنوی علی (ع) در عقاید علوی بکتاشی

شخصیت یگانه حضرت علی (ع) همواره مورد توجه مسلمانان بوده است. در واقع جایگاه رفیع معنوی آن حضرت که در احادیث و روایات متعدد مورد تاکید قرار گرفته است، همچنین وجود فضایل اخلاقی و صفات الهی که در ایشان تجلی یافته، خود یکی از دلایلی است که باید در واکاوی دلایل پیدایش عقاید غالبانه به آن توجه شود. بخشی از اعتقادات علوی بکتاشی‌ها درباره امام علی (ع)، مانند شجاعت، سخاوت، همراهی وی با رسول خدا (ص) در جنگها، و داشتن افتخار دامادی آن حضرت، مشابه اعتقادات اهل سنت و شیعیان، و عشق و علاقه بسیار به ایشان رنگ و بویی صوفیانه دارد که با بیشتر مکاتب تصوف هم قابل مقایسه است. بخش دیگری از اعتقادات بکتاشیان نیز به طریقت آنان اختصاص دارد.

از دیدگاه پیروان طریقت علوی بکتاشی مقام معنوی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) یکی است و گاه از این نیز فراتر رفته و مقام او را بالاتر از پیامبر (ص) می‌شمرند. مثلاً به اعتقاد آنها، در معراج که در آیین جم بکتاشیه تجلی دارد، هر جا که پیامبر پا نهاده، علی (ع) را پیش از خود در آنجا یافته است. همچنین در معراج، شیری از پیامبر تقاضای هدیه‌ای می‌کند و پیامبر اکرم (ص) انگشتری خود را به او می‌دهد، اما در بازگشت به زمین رسول خدا (ص) انگشتر را در دست امام علی (ع) می‌بیند. در ماجرای دیگر به مجلس چهلگان اشاره می‌شود که در معراج پیامبر (ص) در آسمان برگزار شد و در هنگام بازگشت، امام علی (ع) همان مجلس را برای او در روی زمین برگزار کرد (Birge, 1965, 180). در باورهای علوی بکتاشی‌ها، اشراف معنوی امام علی (ع) حتی بر رویدادهایی که تنها رسول خدا (ص) در معراج شاهد آن بوده است، دلیل برتری اوست. گویی پیامبر اکرم (ص) پای در مسیری می‌گذارد که علی (ع) پیشتر از آن عبور کرده، یا همزمان شاهد معراج بوده است.

اعتقاد به برتری جایگاه علی (ع) نسبت به پیامبر اکرم (ص) از نظر علوی بکتاشی‌ها در اهمیت خواندن ذکر «ناد علیاً» در مراسم و مجامع علوی بکتاشی هم مشهود است. بنا به نظر آنها، هنگامی که پیامبر اکرم (ص) در جنگ احد زخمی شد، جبرئیل بر ایشان بال گستراند و به او توصیه کرد

که علی (ع) را بخواند و علی (ع) با هجوم به دشمن، جان مسلمانان را نجات داد. ذکر «ناد علیاً» تقریباً در میان همه گروه‌های علوی بکتاشی خوانده می‌شود (Birge, 1965, 138). علوی بکتاشی‌ها همچنین بر این باورند که امام علی (ع) پس از شهادت، به تن خود جنازه‌اش را حمل کرد. بر اساس روایت آنان، او به امام حسن و حسین (ع) وصیت کرد که پیکرش را به کسی که با صورت پوشیده نزد آنها می‌آید بدهند و آنان چنین کردند و آن شخص کسی جز خود علی (ع) نبود. تصویر این داستان در تکیه‌های بکتاشی به چشم می‌خورد. احمد یاشار اجاق معتقد است که رابطه پیامبر (ص) با علی از دیدگاه علوی بکتاشی‌ها همچون رابطه خضر و موسی است. همان گونه که خضر با روشن کردن حقایق بر موسی، نقش مرشد را برای او بر عهده گرفت، حضرت علی (ع) هم در مقام همان مرشد برخی از حقایق را به پیامبر (ص) آموخت (Ocak, 2000, 158-159).

باید توجه داشت که در اعتقادات علوی بکتاشی‌ها باور به غدیر هم وجود دارد، هر چند که روایت تاریخی آن با آنچه شیعیان امامیه باور دارند کاملاً متفاوت است (مخبر دزفولی، ۱۳۹۶، ۱۴۱). علویان بر حق جانشینی حضرت علی (ع) در مقابل معاویه تأکید دارند و به سه خلیفه اول احترام می‌گذارند (همان). در واقع علویان آغاز تاسیس طریقت خود را از روزگار سلجوقیان و قیام بابائیان می‌دانند و به بحث جانشینی امام علی (ع) پس از وفات پیامبر (ص) توجه چندانی ندارند. همچنین باورهایی در مورد امام علی (ع) وجود دارد که احتمالاً به تصوف نزدیکتر است تا تشیع. مثلاً ولایت نامه به مفهومی به نام «سرّ علی» اشاره می‌کند. بنا بر این روایت، روزی حاجی بکتاش ولی به پیران خراسان می‌گوید که او سرّ علی است. زمانی که از او می‌خواهند که ادعایش را ثابت کند، وی با باز کردن مشتش، خال سبزرنگی را در کف دستش نشان می‌دهد و چون این خال در دست حضرت علی (ع) هم بوده است، همه پیران خراسان به عظمت حاج بکتاش ولی پی می‌برند (Vilayet-Name, 6).

نظریه‌های عرفانی چون وحدت وجود و انسان کامل هم در طریقت علوی بکتاشی اهمیت دارد. در عرفان اسلامی انسان کامل تجلی همه صفات الهی است، به والاترین درجه هستی دست می‌یابد و به خدا می‌رسد. از نظر پیروان طریقت علوی بکتاشی حضرت علی (ع) هم به عنوان ولی خدا به این درجه رسیده است. «ولی» از نظر باورمندان به نظریه وحدت وجود، نبی و رسول را شامل می‌شود، زیرا ولی از اسماء خداست و نبی چنین مفهومی ندارد. به نظر ابن عربی پیامبر اکرم (ص)

دو صفت نبوت و ولایت را با هم داشت. پس از وفات ایشان نبوت خاتمه یافته است، ولی ولایت در اولیای او ادامه می یابد (نصر، ۱۳۸۴، ۱۱۷-۱۱۸). از این جاست که در میان علوی بکتاشی ها تثلیث الله، محمد و علی شکل گرفته و به ویژه در اشعار شعرای علوی بکتاشی ظاهر شده است. آنان به تثلیث الله، محمد و علی باور دارند و گروهی از آنان گردنبدی با نقش پای غاز بر گردن می آویزند که نماد این تثلیث است. باید توجه داشت که با وجود تاثیر مسیحیت بر باور تثلیث بکتاشیان، نباید آنها را یکی دانست. رابطه میان این سه ضلع، مشابه مسیحیت نیست. علوی بکتاشی ها اعتقاد به نبوت و ولایت را حلقه وصل پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) می دانند. از سوی دیگر، پدر و مادر و اجداد هر دو مشخص اند و خود آن حضرت هم ادعا نکرده است که از آسمان فرود آمده و به آسمان خواهد رفت.^۱

اعتقاد به حقیقت محمدیه نیز همچون دیگر مکاتب تصوف در طریقت علوی بکتاشی وجود دارد و آنان به آفرینش نور محمد و علی به طور جداگانه باور دارند، هر چند که به اعتقاد آنان این دو در اصل یکی هستند (Birge, 1965, 133- 134). همچنین بکتاشیان با توجه به جمله معروف پیامبر (ص) که فرمود: «انا مدینه العلم و علی بابها»، نتیجه گرفته اند که پیامبر (ص) ظاهر دین را آموزش داد، اما روح اسلام و باطن آن را باید از علی (ع) آموخت. داستانی در ولایت نامه به این موضوع اشاره دارد که بر اساس آن، لقمان پرنده در دیدار با حاجی بکتاش ولی دو شخصیت نورانی را در کنار او می بیند و حاج بکتاش آن دو را محمد (ص) و علی (ع) معرفی می کند، که او از یکی علم ظاهر و از دیگری علم باطن را می آموزد (Vilayet-Name, 5). از نظر علویان ترکیه، نور محمد و علی یکی است و این دو اصلاً از هم جدا نیستند و این در «نفس» های علوی بکتاشی هم منعکس شده است. بیرگ به یک نفس بکتاشی ارجاع می دهد که معنی آن این است: «خدا بر او بیخشاید که آنها را از هم جدا می داند/ محمد، علی است و علی، محمد (Birge, 1965, 134).

۱. این مطلب را فغلالی از قول یکی از دده های علوی به نام دده نویان نقل می کند (Figlali, 1990, 226). بعدها نگارنده این مطلب را چند بار از دده های علوی در ترکیه و آلمان هم پرسید و آنها نیز تاکید داشتند که این مشابهت ظاهری است و در عقیده با مسیحیان متفاوت اند.

علاقه به شخصیت امام علی (ع) در مهمترین مراسم مذهبی علوی بکتاشی‌ها یعنی «آیین جم»^۱ هم انعکاس یافته و نقش محوری دارد. در اندیشه علویان انسان آفریده شده است تا به حق برسد. وی باید در این مسیر تکامل یابد و به مرتبه انسان کامل برسد. به باور آنان، انسان کامل علی (ع) است و در «باب معرفت» باید خود را از منویات تهی کرد و علی را دید. علی حق است و با رسیدن به آن، به «حقیقت» می‌رسند. در آیین جم علی (ع) نماد عبور از جهان مادی و رسیدن به معنویت است. او همسر فاطمه (س) دختر پیامبر (ص) است و «آستانه»^۲ در ورود به جم‌خانه‌ها نماد حضرت فاطمه (س) و بیداری معنوی اوست، در حالی که علی (ع) نماد هشیاری و آگاهی است. آگاهی درونی ما علی است و او الهی صورت است و به همین دلیل هر انسان یک کعبه زنده و مقدس است و هر شخصی که از آستانه جم‌خانه وارد شود، مقدس به شمار می‌آید (Birge, 1965, 110; Melikoff, 1998, 263- 264).

امام علی (ع) و پیران طریقت علوی بکتاشی

در ادبیات آیینی علوی بکتاشی مفهوم «پیر»، اهمیت‌گزینش او برای قدم نهادن در طریق سیر و سلوک با کمک آموزه‌ها و نقش باطنی او، شرایط احراز این مقام و وظایف مرید در مقابل او اهمیت ویژه‌ای دارند. در فرهنگ علوی بکتاشی به پیر «دده» یا «بابا» گفته می‌شود. پیرهای علوی بکتاشی سه دسته‌اند: چلییان یا دده‌هایی که خود را از اولاد حاجی بکتاش می‌دانند (اولاد نسبی)؛ اجاق‌زادگان یا دده‌هایی که از نسل دوازده امام شیعه‌اند؛ و باباها یا باباگان‌ها که پیروان حاج بکتاش‌اند (اولاد طریق) (ولی، ۱۳۸۹، ۶۶). از نظر علوی بکتاشی‌ها طریقت مخصوص اشرف بشر علی بن ابی طالب (ع)، شاه اولیاء است. پس پیر باید که بر طریق او گام بردارد و بر شیوه او سلوک کند تا آیین طریقت به درستی انجام شود. بنا به «فرمان»، مقام پیر از آغاز به شاه مردان علی (ع) داده شده و پیر بودن شخص به شرطی مورد پذیرش است که پیر از اولاد پیامبر (ص) و علی (ع) باشد. انتخاب پیر بدون در نظر گرفتن این شرط خیانت به طریقت شمرده می‌شود (ولی، ۱۳۸۵، ۱۶۲).

۱. آنان بر این باورند که نخستین بار امام علی (ع) و سپس فرزندان او آیین جم را برگزار کرده‌اند.

نخستین پیر طریقت علوی بکتاشی، حاج بکتاش ولی است که به عنوان مؤسس این طریقت، در تکیه‌های علوی همه جا تصویر او در کنار تصویر امام علی (ع) قرار دارد. باید توجه داشت که سلسله مشایخ علوی بکتاشی‌ها همچون بیشتر طریقه‌های تصوف به امام علی (ع) می‌رسد. سلسله طریقت حاج بکتاش ولی بنا بر ولایت نامه چنین است: سید بکتاش خراسانی، شیخ لقمان پرنده، خواجه احمد یسوی، خواجه یوسف همدانی، شیخ ابوعلی فارمدی، شیخ ابوالحسن خرقانی، شیخ ابوالقاسم کرگانی، شیخ ابو عثمان مغربی، شیخ ابوعلی کاتب مصری، ابوعلی رودباری، جنید بغدادی، شیخ سری سقطی، معروف کرخی، داوود طایبی، حبیب عجمی، حسن بصری و امام علی (ع) (Vilayet- Name, 5). سلسله دیگری نیز برای حاج بکتاش نقل شده که تا جنید بغدادی با سلسله قبلی یکی است، اما پس از او به امام رضا (ع)، امام موسی کاظم (ع)، امام صادق (ع)، امام باقر (ع)، امام سجاد (ع)، امام حسین (ع) و امام علی (ع) ختم می‌شود (مخبر دزفولی، ۱۳۸۹، ۱۰۳).^۱

نکته‌ای که در بررسی منابع علوی بکتاشی چون مناقب‌نامه حاج بکتاش ولی، مشهور به ولایت نامه وجود دارد، کوشش برای ایجاد پیوستگی بین رهبر طریقت علوی بکتاشی و ائمه شیعه (ع) است. هر چند که با توجه به تاریخ احتمالی نگارش این اثر، امکان اینکه بعدها مطالبی به آن اضافه شده باشد وجود دارد. این داستان‌های باورنکردنی که اغلب از نظر تاریخی هم نادرست‌اند، از آن روی بااهمیت‌اند که دیدگاه گروه‌های مختلف علوی بکتاشی را نسبت به امام علی (ع) و دیگر ائمه معصومین نشان می‌دهند.

نویسنده مجهول ولایت نامه در آغاز این کتاب، بخشی را به معرفی اجداد حاج بکتاش اختصاص داده و او را از نسل ابراهیم، برادر کوچک امام رضا (ع) دانسته است و به این ترتیب، بر سیادت حاج بکتاش ولی تأکید می‌کند. به عبارت دیگر، در ولایت نامه، نام وی محمد بن ابراهیم بن موسی خراسانی است و از طریق ابراهیم مجاب، برادر امام رضا (ع) از نسل پیامبر اکرم (ص) دانسته شده است (Vilayet- Name, 99- 101). براساس این اثر، جد حاج بکتاش، موسی الثانی، در ۲۷ صفر سال ۲۰۳ ق با امام رضا (ع) ملاقات کرد و در پایان این دیدار، پدر حاج بکتاش

۱. برای اطلاعات بیشتر نک:

Ali Aktaş, "Hunkar Haj Bektas Veli", *Alevilik Bekatsilik Arastimalari Sitesi*, Istanbul, 2005.

باقیمانده شریعتی را که امام از آن نوشیده بود، به همسرش داد و وی باردار شد (ibid, 103) و به این ترتیب حاج بکتاش ولی به دنیا آمد. طرفه آنکه فاصله میان شهادت امام رضا (ع) در سال ۲۰۳ق تا فوت حاج بکتاش ولی (احتمالاً ۶۶۹ق) بیش از چهار قرن است.

علاوه بر شرح معجزه‌وار تولد حاج بکتاش که در سنت علوی بکتاشی‌ها وجود دارد و درباره برخی از شخصیت‌های دیگر همچون تولد سیدعلی سلطان و بالیم سلطان هم تکرار شده است، نویسنده ولایت نامه از کودکی حاج بکتاش سخن می‌گوید و مدعی است که او از سن شش ماهگی شهادتین را بر زبان آورد و گفت: «اشهد ان لا اله الا الله، وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله و اشهد ان علیاً ولی الله» (ibid, 1).

چگونگی تولد سیدعلی سلطان هم که از دیدگاه چلبی‌ها فرزند خونی حاج بکتاش، و از نظر باباها فرزند نفس او بود، به افسانه می‌ماند. بنابر ولایت نامه، حاج بکتاش ولی در صولوجه قراهویق مهمان مرد دانشمندی به نام ادریس و همسرش خاتون آنا شد. حاج بکتاش مجرد بود. روزی هنگام وضو گرفتن خون دماغ شد و از خاتون آنا خواست که آب وضو را جایی بریزد که بر آن پا گذاشته نشود. خاتون آنا بدون اطلاع حاج بکتاش از آن آب نوشید. هنگامی که حاج بکتاش از این قضیه مطلع شد، به او گفت که صاحب فرزند پسری می‌شود که در هفت سالگی افراد هفتادساله به دست‌بوس او می‌روند (Vilayet- Name, 64- 66). شاخه چلبی‌ها بر این باورند که خاتون آنا دختر ادریس و همسر حاج بکتاش بوده است و سیدعلی سلطان فرزند خونی حاج بکتاش است (همانجا). اما باباها معتقداند که حاج بکتاش هرگز ازدواج نکرد و سیدعلی سلطان فرزند نفس اوست.

بالیم سلطان یکی دیگر از شخصیت‌های تاثیرگذار در طریقت بکتاشیه است که پس از حاجی بکتاش، به او لقب پیرثانی داده‌اند. نقش او در سازماندهی و گسترش بکتاشیه و همچنین نزدیک کردن این طریقت به عثمانی‌ها در قرن دهم ق، در حالیکه اختلاف میان آنها و صفویه شعله‌ور شده بود، اهمیت بسیار دارد. بالیم سلطان تعالیمی را از جمله مجرد بودن، ستایش دوازده امام، تثلیث حق، محمد و علی، و تعیین سلسله مراتب بکتاشیه را به تعالیم این طریقه افزود. در واقع بالیم سلطان آموزه‌های شیعی و حروفی را که پس از قرن نهم ق به این طریقت راه یافته بود، منظم کرد (نک: اجاق، ج ۲).

داستان ولادت او نیز چون حاجی بکتاش و سیدعلی سلطان به افسانه شبیه است. بر اساس این داستان، شاهزاده خانمی بلغاری سجاده‌ای بافت و نذر کرد که با کسی که روی آن نماز گزارد، ازدواج کند. از قضا مرسل‌بابا و سیدعلی سلطان- از پیران طریقت- به دیمتوقه آمدند و روی آن سجاده نماز گزاردند. از آنجا که هر دو نفر سالخورده بودند، شاهزاده از نذر خود چشم پوشید. در این میان، مرسل بابا انگشت خود را در ظرف عسل فرو برد و در دهان شاهزاده خانم گذاشت و او باردار شد. انتخاب اسم «بالیم»، به معنی عسل برای او نیز به همین سبب است (Birge, 1965, 56). در این داستان هم تناقضاتی وجود دارد. به فرض اینکه سیدعلی سلطان پسر واقعی یا فرزند نفس حاج بکتاش ولی باشد، زمان حیات حاج بکتاش نیمه دوم قرن هفتم قمری بود، در حالیکه تولد بالیم سلطان ۹۲۲ قمری است و این فاصله برای رابطه حاج بکتاش با نوه‌اش بسیار طولانی است. در همه موارد بالا، بارداری بر اثر معجزه و با خوردن شربت، آب و عسل ایجاد شده است.

امام علی (ع) در ادبیات، رسوم و مناسبت‌های مذهبی علوی بکتاشی

ادبیات صوفیانه در آناتولی میراث ارزشمندی از دوره سلجوقیان روم است که به رواج زبان فارسی و ترکی در این منطقه رونق بخشید. زبان فارسی در ادبیات صوفیانه مکاتب تصوف شهری همچون مولویه رواج داشت و زبان ترکی، که به توصیف باورهای نه چندان عمیق صوفیانه می‌پرداخت، عموماً زبان رایج در میان پیروان احمد یسوی، و به ویژه پیروان حاج بکتاش ولی بود. مثلاً اشعار یونس امره بزرگترین شاعر بکتاشی، در زمان حیات وی در آناتولی گسترش یافت. زبان یونس امره زبان قرون هفتم و هشتم قمری در آناتولی، نظیر سلطان ولد و عاشق پاشاست (Golpinarli, 1961, 1). شعر یونس امره تاثیر گسترده‌ای بر صوفیان آناتولی داشت و پس از وی شاعران علوی بکتاشی چون نسیمی، فضولی و ... سبک او را ادامه دادند. در ادبیات علوی بکتاشی عشق به زندگی و نعمت‌های دنیوی اهمیت دارد. عشق و علاقه به حضرت علی(ع) و امامان معصوم(ع) و دشمنی با دشمنان آنها از عناصر اصلی ادبیات علوی بکتاشی است. امام علی (ع) در اشعار علوی بکتاشی گاه به مرز خدایی می‌رسد (Golpinarli, 1992, 3-7). اما محتوای بسیاری از اشعار شاعران اظهار محبت و وفاداری به حضرت علی و امام حسین(ع) است، چنانکه ویرانی از شاعران بزرگ علوی بکتاشی می‌سراید:

«به والله نور محمد و علی است که در چراغ قدرت می‌درخشد» (Gelenk, 2021).

همچنین قل همت از دیگر شعرای علوی بکتاشی هم می‌سراید:

«به مرشد همه گفته‌اند علی / تسبیحاتشان الله - محمد - علی / مشربشان حسینی و نامشان علوی / راهشان می‌رسد به محمد - علی».

باز هم ویرانی می‌نویسد:

«جانان جانم علیست ای زاهد/ سلطان ملکم علیست ای زاهد/ مهربانی و شفاعت برای من از علیست/ مهمان دلم علیست ای زاهد/ چه می‌گویی؟ همه دارایی من علیست/ دین و ایمانم علیست ای زاهد/ علی چهار کتاب جاویدان من است/ ورد قرآنم علیست ای زاهد» (Çelenk, 2021).

حلمی دده می‌سراید:

«ما عابدان مرتضی و از حسینیانیم/ ماعاشقان مرتضی و از حسینیانیم/ به عشق شاه شهید از جان گذشتیم/ جان فدای کربلا که از حسینیانیم»^۱.

همچنین نام امام علی (ع) در اشعاری که به هنگام سماع علویان و در مناسبت‌های مذهبی خوانده می‌شود، بارها تکرار می‌گردد. مثلاً این اشعار در نوروز خوانده می‌شود:

«شاه مردان شیر یزدان مرتضی دوغدی بوگون/ پیشوای اولیا و اصفیا دوغدی بوگون/ فاطمه بنت اسد دوراو ولی نین انه سی/ هاشمی گلزارنن نوغنچه بیردانه سی» (امامی خویی، ۱۳۹۲، ۳۱۲).

نمونه اشعاری که در سماع پیروان علوی بکتاشی ها خوانده می‌شود:

«گلین ای نازنین جانلار/ بوگون نوروز سلطان دور/ علی المرتضی حیدر/ جهانی غرق نور ایلر/ علی نین دوغدوغو گوندوز/ بوگون هر گوندن اوستون دور/ همم ساقی قدح دولدوز/ بوگون نوروز سلطان دور» (امامی خویی، ۱۳۹۲، ۳۱۳).

ترجمان یا گلبانگ‌ها نیز به اشعاری گفته می‌شود که در مراسم جم خوانده می‌شوند و شامل مجموعه‌ای از شعائر شیعی و اعتقادات علوی بکتاشی، به همراه دعا و خیرخواهی برای حاضران است. دو نمونه از گلبانگ‌ها عبارتند از:

۱. عابدان مرتضی نیز بیز حسینیلر دنیز/ عاشقان مرتضی نیز بیز حسینیلر دنیز/ باشمیز تویله دیک شاه شهید عشقینه/ جان فدای کربلا نیز بیز حسینیلر دنیز (امامی خوئی، ۱۳۹۲، ۳۰۷).

«الله الله الله / شب هایتان به خیر باد/ نکویی گسترده باد/ بدی ها رفع و دفع باد/ دوازده امام بر ما حاضر و ناظر باد/ نور نبی اکرم و کرم علی/ پیرمان حاج بکتاش ولی حاضر شود» (مخبر دزفولی، ۱۳۸۹، ۱۳۵).

ترجمان دیگری به نام گلبانگ چراغ چنین است:

«به نام شاه شمع روشن می کنیم/ برای عشق به خدا/ برای عشق به سرور مخلوقات محمد مصطفی/ برای عشق به علی مرتضی ساقی کوثر/ برای عشق به خدیجه و فاطمه بهترین زنان/ برای عشق به شاه حسن/ پادشاه کربلا حسین/ برای عشق به دوازده رهبری که قلب هدایت اند» (همانجا).

در اهمیت جایگاه امام علی (ع) نزد علوی بکتاشی ها باید به رسم «مصاحبت» اشاره کرد. علویان معتقداند همان گونه که در پیمان اخوت میان پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع)، قلب و روح آنها یکی شد، کسانی که با یکدیگر پیمان مصاحبت می بندند، باید یکدل شوند. در این مراسم دو فرد بالغ غیرخویشاوند و متاهل تصمیم می گیرند که در پیروی از طریقت علوی بکتاشی شریک شوند و سپس در مراسم جم برادر می شوند. این نوع مراسم جم، «آیین یگانگی» خوانده می شود و در آن، دو فرد داوطلب تأیید می کنند که از یکدیگر راضی اند. آنگاه دده از جمع حاضر می خواهد که اگر کسی اعتراضی به آنها دارد، جلو بیاید و اعتراض خود را توضیح دهد. اگر مشکلی وجود داشته باشد، دده راه حلی برای آن پیدا می کند و سپس برای رستگاری آن دو دست به دعا برمی دارد (Yaman, 2006, 82- 83). پیوند برادری بسیار مهم تر از رابطه خونی است، زیرا علویان بدون برادران خود نمی توانند در مراسم جم شرکت کنند و باید نسبت به یکدیگر صادق، و در تمام طول زندگی یاور یکدیگر باشند. آنها موظف به حمایت از یکدیگر و خانواده های هم اند و باید در همه رویدادهای مهم زندگی در کنار هم باشند. این حمایت پایانی ندارد، چنانکه پس از آنکه دده پیوند میان دو مرد یا دو زن را تأیید کرد، پیوند آنها در دنیای پس از مرگ نیز ادامه می یابد. آنان در طول زندگی مسافران مسیری عرفانی می شوند و موانع را با هم پشت سر می گذارند. علاوه بر این، برادر ثروتمندتر وظیفه دارد به برادر فقیرتر خود کمک کند. بنابراین، پیوند مصاحبت در واقع نوعی حمایت اقتصادی هم ایجاد می کند که به حمایت مالی انصار از مهاجرین در دوره پیامبر اکرم (ص) شباهت دارد (Özcan, 2011, 274).

یکی دیگر از رسوم سالانه در طریقت علوی بکتاشی مراسم «مغفره الذنوب» است که نشان از تاثیرپذیری طریقت علوی بکتاشی از مسیحیت دارد و در دوازدهم محرم هر سال برگزار می شود.

در این روز افرادی که مرتکب گناه شده‌اند نزد بابا می‌آیند و به گناهانشان اعتراف می‌کنند. یکی از راههای بخشش خطا، که بابا معین می‌کند، سفر زیارتی به نجف یا کربلاست (Tscudi, 1/ 1162).

علوی بکتاشی‌ها با استفاده از نام ائمه (ع) و منسوب کردن بعضی از آداب و حتی وسایل مورد استفاده در مراسم مذهبی خود، به این رسوم تقدس می‌بخشند. مثلاً در میدانی که مراسم برپا می‌شود، تختی است که روی آن دوازده چراغ قرار دارد. چراغی که از همه بلندتر است، «چراغ قانون» نام دارد و در جلوی چراغ‌های دیگر قرار می‌گیرد. ویژگی‌های ظاهری این چراغ اشاراتی به اعتقادات علوی بکتاشی‌ها را در بردارد، چنانکه سر آن به شکل کلاه علوی بکتاشی‌ها است و انتهای آن به چهار قسمت (چهار باب بکتاشی) تقسیم می‌شود. دوازده چین یا ترک (دوازده امام) در اطراف این چراغ، و یک دکمه (حق) در راس آن قرار دارد. این چراغ همچنین در پیرامون خود دارای سه فتیله است (خدا، محمد و علی). چراغ دیگری به نام «سراج منیر» در گوشه میدان نشانه حضرت علی(ع)، و اجاق کوچکی در قسمتی از دیوار میدان «اجاق فاطمه (س)» نامیده می‌شود. (مخبر دزفولی، ۱۳۸۹، ۱۳۱-۱۳۶). همچنین به باور پیروان طریقت علوی بکتاشی وسایل بکتاشیان شامل تاج الف، خرقه، چراغ، سفره، علم و سجاده از طرف خدا به پیامبر اکرم (ص) و سپس به علی مرتضی (ع) اهدا شده است. این وسایل میان فرزندان امام علی (ع) تا امام رضا (ع) دست به دست شده و سپس ایشان این وسایل را به پیر ترکستان، خواجه احمد یسوی داده است و پس از آن این وسایل به شیوه‌ای کرامت‌وار نهایتاً به دست حاج بکتاش ولی رسیده‌اند (Vilayet-Name, 7). طرفه آنکه میان وفات امام رضا (ع) و احمد یسوی (م ۵۶۲ق) بیش از سه قرن فاصله وجود دارد.

برای برگزاری آیین جم نیز دوازده خدمت به نام بعضی از ائمه شیعه(ع) و چهارده معصوم مورد نظر علوی بکتاشی‌ها و برخی اشخاص گمنام (همه فرزندان علی(ع)) نامگذاری شده است. به اعتقاد علوی بکتاشی‌ها این آیین نخستین بار توسط امام علی (ع) و سپس فرزندان او برگزار شده است. این دوازده خدمت عبارتند از: طریقت‌چی، امام حسن (ع)؛ فراش، امام حسین (ع)؛ سلمانی، محمد بن حنفیه؛ ذاکر، عبدالصمد بن علی؛ سفره‌چی، عبدالواحد بن علی؛ ابریق‌چی، سلمان فارسی؛ ساقی میدان، طیب بن علی؛ خادم میدان، عبدالمعین؛ خادم، عبدالله بن علی؛ نگهبان، عبدالکریم بن علی؛ چراغچی، اکبر بن علی؛ و دربان، عبدالجلیل بن علی (Shindeldecker,)

180, 1996). بیشترین اشاره به نام امام علی(ع) در دعاها یا گلبانگ‌هایی می‌آید که در مراسم جم خوانده می‌شوند. در این مراسم که در روزهای یکشنبه در تکیه‌های بکتاشی برگزار می‌شود، بارها به نور نبی، کرم علی و پیر طریقت حاج بکتاش ولی ارجاع داده می‌شود (Atalay, 1991, 19). در بیشتر خانه‌ها و همه تکیه‌های بکتاشیان نیز تصویر حضرت علی(ع) در حالیکه ذوالفقار را در دست دارد، تصاویری از پنج تن، حضرت محمد (ص)، امام علی(ع)، حضرت فاطمه (س)، امام حسن و امام حسین (ع)، به چشم می‌خورد.

پیروان طریقت علوی بکتاشی علاوه بر آیین جم، در مناسبت‌های مهم نیز مراسمی برگزار می‌کنند. در این میان عید نوروز و ماه محرم از اهمیت خاصی برخوردارند. آنها عید نوروز را، که مطابق با نوروز ایرانی در اول فروردین ماه است، روز تولد امام علی(ع) و نیز سالگرد ازدواج وی با حضرت فاطمه (س) می‌دانند. به باور علوی بکتاشی‌ها، در نوروز رویدادهای مهمی رخ داده است. مثلاً در این روز یوسف از چاه بیرون آمد و خداوند زمین را خلق کرد (Shindeldeker, 1996, 13). آنها معتقداند که در نوروز نبوت و ولایت یکی می‌شوند و به همین دلیل، این روز را «نوروز سلطان» می‌گویند. بکتاشیان در این روز مراسم جم را برگزار می‌کنند و به سماع و خواندن اشعاری در مدح امام علی(ع) می‌پردازند. ماه محرم هم در میان پیروان طریقت علوی بکتاشی از اهمیت خاصی برخوردار است. علویان ده روز اول ماه محرم را روزه می‌گیرند و از غروب روز نهم تا غروب روز دهم تشنگی امام حسین(ع) و یارانش را یاد می‌کنند. آنگاه در غروب روز دهم با آب و تربت امام حسین(ع) روزه خود را افطار، و مراسمی به نام عاشورا برگزار می‌کنند. در این مراسم غذای ویژه‌ای پخته می‌شود که پس از نوحه‌سرایی برای شهادت امام حسین(ع) در میان عزاداران توزیع می‌شود (امامی خویی، ۱۳۹۰، ۳۱۴، ۱۳۶).

نتیجه‌گیری

به رغم مرکزیت نام و شخصیت امام علی(ع) در طریقت علوی بکتاشی، که گاه در میان برخی گروههای علوی سبب اعتقادات غلوآمیزی شده و به مرز الوهیت رسیده است، نمی‌توان آن را به همه پیروان این طریقت تعمیم داد. جایگاه امام علی(ع) در عقاید و رسوم علوی بکتاشی گاه به شعائر شیعی شباهت دارد و گاه به مکاتب صوفیانه‌ای چون قلندریه و مولویه نزدیک است. در این میان، برخی از باورها در مورد حضرت علی(ع) اختصاص به طریقت علوی بکتاشی دارد. تفوق

امام علی (ع) بر پیامبر اکرم در معراج، حمل و تشیع پیکر امام علی (ع) پس از شهادت به دست خود وی، و تصویر رابطهٔ پیامبر (ص) با علی (ع) چون خضر و موسی به علوی بکتاشی‌ها از جمله باورهای خاص علوی بکتاشی‌هاست. آنها در اعتقاد به حقیقت محمدیه و انسان کامل شبیه سایر مکاتب صوفیانه‌اند و در اظهار شعائر دینی به تشیع نزدیک‌اند. اگر چه علوی بکتاشی‌ها مناسبت‌های شیعی همچون غدیر و عاشورا را ارج می‌نهند، اما در چگونگی وقوع غدیر و در برگزاری مراسم عاشورا با شیعیان متفاوت‌اند. با این همه، شخصیت امام علی (ع) نه تنها در ادبیات علوی بکتاشی محوریت دارد، بلکه در شکل‌گیری رسومی چون «مصاحبت» و برگزاری مراسم جم نقش مهم و اساسی دارد.

۱۱۷

پژوهشنامهٔ ادیان

منابع:

- اجاق، احمد یاشار، «بالیم سلطان»، *دانشنامه جهان اسلام*، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، تهران، ج ۲.
- امامی خوئی، محمد تقی (۱۳۹۲)، *ترکان، اسلام و علوی گری بکتاشی گری در آناتولی*، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- مخبر دزفولی، فهیمه (۱۳۸۹)، *پیدایش طریقت علوی بکتاشی در آناتولی*، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- مخبر دزفولی، فهیمه (۱۳۹۶)، «تشیع امامی و پیدایش طریقت علوی بکتاشی در آناتولی»، *پژوهشنامه ادیان*، شماره ۲۱.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۴)، *سه حکیم مسلمان*، ترجمهٔ احمد آرام، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- ولی، شهاب (۱۳۸۹)، «مقام پیر در فرمان منسوب به امام صادق (ع)»، *جاودان خرد*، شماره ۱۴.
- ولی، شهاب (۱۳۸۵)، «نگاهی به فرمان منسوب به امام صادق»، *مسکویه*، شماره ۵.
- Aktas, Ali (2005), *Hunkar Hacı Bektas Veli, Alevilik Bektasi Arastimarlari Sitesi*, Istanbul.
- Atalay, Besim (1991), *Bektasilik ve Edebiyati*, Istanbul.
- Birge, John Kingsley (1965), *The Bektashi Order of Dervishes*, London.
- Çelenk, Mehmet (2021) "Bir Hak Dindarlığı Örneği Olarak Anadolu Alevîliği: Tarih, İnanç Ve Uygulama", *Halk İnanışları Ve Uygulamaları, Niyazi Akyüz İhsan Çapcıoğlu (ed.), Ankara, Pp. 371- 405.*

- (ترجمه این مقاله در پایگاه «مطالعات عثمانی» در تاریخ دوم بهمن ۱۴۰۳ موجود بوده است).

- Fiğlali, Ethem Ruhi (1990), *Türkiyede Alevilik ve Bektasilik*, Ankara.
- Golpınarlı, A. (1961), *Yunes Emre ve Tasavvuf*, Istanbul.
- Golpınarlı, A. (1992), *Alevi Bektasi Nefesleri*, Istanbul.
- Golpınarlı, A. (1995) *Vilayetname- Manakıbı Hacı Bektaş'ı Veli*, Istanbul.
- Kehi Bodrog, Kristinia (1995), "The Significance of musahiblik among the Alevis", *Syncretistic Religious Communities in the Near East*, Collected Papers of the Symposium, Berlin.
- Melikoff, Irene (1998), *Hadji Bktach: Un mythe ses avatars*, Leiden.
- Ocak, A. Y. (2000), "Babailer İsyanından Kızılbaşlığa: Anadolu'da İslâm Heterodoksisinin Doğuş ve Gelişim Tarihine Kısa Bir Bakış", *Belleten*, vol. 64, No. 239, Pp. 129- 160.
- Özcan, S. (2011), *Alevilik Sorunları*, Yorum Press, Ankara.
- Shindeldecker, J. (1996), *Turkish Alevis today*, Shahkulu, Istanbul.
- Tscudi, R. (1986), "Bektashiyya", *Encyclopedia of Islam* (2nd Edition), Leiden, vol. 1, Pp. 1161- 1163.
- Yaman, Ali & A. Erdemir (2006) *Alevism-Bektashism: A Brief Introduction*, İngiltere Alevi Kültür Merkezi ve Cemevi, Istanbul.